

ویژگی های تأثیر افعال اختیاری انسان بر تکوین از منظر آیات و روایات با تأکید بر سبک زندگی اسلامی

مهدی جعفرزاده*

محمدحسین رنجبر حسینی**

مهدی نصرتیان***

چکیده

تأثیرات تکوینی افعال نیک و بد انسان از منظر آیات و روایات، ویژگی هایی دارند. شناخت این ویژگی ها اولین گام در طراحی و پذیرش اجتماعی الگوهای رفتاری و سبک زندگی اسلامی است. بر اساس این تحقیق که در مقام گردآوری به روش کتابخانه ای و در مقام تحلیل و داوری به روش اسنادی تحلیلی، انجام شده است، مهم ترین ویژگی این است که تلازم میان تأثیرات تکوینی افعال اختیاری نیک اجتماعی و جاری شدن نعمت ها در جامعه، قطعی است؛ ولی این تلازم در جانب افعال اختیاری بد اجتماعی و نعمت ها و نیز آثار تکوینی افعال نیک و بد فردی، قطعی نیست و ممکن است به دلایلی منتفی شود. عدم دلالت بهره مندی از دنیا بر خوب بودن انسان، فراجنسیتی بودن تأثیرگذاری افعال اختیاری انسان بر تکوین، تناسب و همانندی میان افعال اختیاری انسان و ابتلائات تکوینی و نیز هماهنگی میان ابتلائات تکوینی افعال اختیاری با نظام احسن از دیگر ویژگی های این تأثیرگذاری است؛ بنابراین، سبک زندگی اسلامی، بیشترین و کامل ترین تناسب و هماهنگی را با نظام تکوین خواهد داشت و بیشترین منفعت را متوجه انسان و سایر مخلوقات می کند.

کلیدواژه ها: سبک زندگی اسلامی، افعال اختیاری انسان، نظام تکوین، تأثیرگذاری تکوینی.

* پژوهشگر مؤسسه سبک زندگی اسلامی آل یاسین، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

jafarzadeh2160@gmail.com

** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

ranjbarhosseini@gmail.com

*** استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه قرآن و حدیث، قم، ایران.

mehdi.nosratian@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۸

مقدمه

رفتارهای فردی و اجتماعی آدمی دارای تأثیرات تکوینی است. تأثیر افعال اختیاری انسان بر تکوین به معنای ایجاد و ابقای آثار افعال اختیاری انسان بر اسباب و پدیده‌های طبیعی و تکوینی است. این تأثیر و تأثر میان افعال اختیاری انسان و پدیده‌ها تکوینی، کاشف از رابطه علی و معلولی و سبب و مسببی میان آن‌ها است؛ یعنی خواست و انتخاب انسان به میزان سعی و تلاش او، اقتضای تحقق آثاری تکوینی و حوادث و ابتلائات طبیعی متناسب و هم‌سنخ با آن انتخاب را فراهم می‌سازد. حوادث و ابتلائات طبیعی در دنیا بر اساس نظام اسباب و مسببات به وجود می‌آیند. اسباب حوادث طبیعی به صورت زنجیره‌ای به هم متصل بوده و پشت سر هم قرار می‌گیرند. انسان می‌تواند این زنجیره را قطع کند و تغییر دهد؛ از این رو، افعال اختیاری انسان نقطه عطف تغییر در حوادث تکوینی و منشأ ابتلائات و حوادث آینده است. دسته‌ای از آیات قرآن کریم به ظهور فساد عمومی در زمین به سبب گناهان انسان اشاره می‌کند و دسته‌ای دیگر به نزول برکات عمومی به واسطه ایمان و اعمال نیک انسان توجه می‌دهد و دسته‌ای نیز به موارد جزئی فساد و برکات اشاره دارند.

رفتار انسان از سه لایه درونی، میانی و بیرونی تشکیل یافته است. لایه درونی رفتار انسان، بینش‌ها و باورهای او هستند که جهان بینی او را شکل می‌دهد. لایه میانی نیز ارزش‌ها و هنجارهای اوست که ایدئولوژی او را می‌سازد. لایه بیرونی نیز همان رفتار خارجی و یا آمادگی و مقدمه‌سازی او برای انجام آن رفتار است. هرچه لایه‌های درونی و میانی رفتار انسان با نظام حاکم بر تکوین هماهنگ‌تر باشد آثار و نتایج بهتری عاید انسان‌ها می‌شود و بالعکس. هم‌چنین هماهنگی میان لایه‌های درونی و میانی با نظام تکوین، الگوهای رفتاری نسبتاً ثابت و پایداری را در آدمی نهادینه می‌کند. از طریق الگوهای رفتاری نیز می‌توان رفتارهای افراد جامعه را پیش‌بینی و هدایت نمود تا آسیب‌ها و تأثیرات منفی انتخاب‌های انسانی به حداقل ممکن کاهش پیدا کند.

شناخت ویژگی‌های تأثیر افعال اختیاری آدمی بر تکوین، اولین گام در طراحی و پذیرش اجتماعی الگوهای رفتاری هماهنگ با نظام تکوین است. اسلام به عنوان آخرین دین آسمانی، حاوی گزاره‌هایی است که واقعیت‌های عالم تکوین را بیان می‌کند. شناخت ویژگی‌های تأثیرگذاری تکوینی انتخاب‌های انسان از طریق آیات و روایات، زمینه دست‌یابی به الگوهای رفتار اسلامی و در نتیجه، سبک زندگی اسلامی را فراهم

می‌سازد. سبک زندگی اسلامی به معنای مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری نسبتاً پایدار جهت نیل به هدف است که از بینش‌های دینی و ارزش‌های الهی متأثر بوده و به صورت عینی و در متن زندگی تجلی می‌یابد. (فعال، ۱۳۹۷، ۱۳۲)

این تحقیق در مقام گردآوری به روش کتابخانه‌ای و در مقام تحلیل و داوری به روش اسنادی تحلیلی، انجام می‌شود و به برخی از مهم‌ترین ویژگی‌های تأثیر افعال اختیاری انسان بر تکوین از منظر آیات و روایات، اشاره می‌کند.

قطعی بودن تلازم در جانب انتخاب‌های اجتماعی حسن و نعمت‌ها

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های تأثیرگذاری افعال اختیاری انسان بر تکوین، قطعی بودن تلازم در جانب انتخاب‌های اجتماعی حسن و نعمت‌ها است و قطعی نبودن تلازم در حالات دیگر است. افعال اختیاری انسان چهار حالت دارد؛ افعال نیک فردی، افعال نیک اجتماعی، افعال بد فردی و افعال بد اجتماعی. یکی از قضایای حتمی و سنت جاریه الهی این است که همواره میان افعال نیک اجتماعی و توارد نعمت‌ها و تضاعف برکات ظاهری و باطنی از ناحیه خدا ملازمه وجود دارد و تا افراد جامعه وضع خود را تغییر ندهند، شرایط مطلوب نیز برقرار خواهد بود:

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ (اعراف، ۹۶) و اگر اهل قریه‌ها ایمان بیاورند و تقوی پیشه کنند، ما درهای برکات را از آسمان و زمین برویشان می‌گشاییم؛ ولی تکذیب کردند، ناگزیر ما نیز به آنچه کردند گرفتارشان ساختیم.

این قانون تکوینی بر یک اصل قرآنی استوار است که بیان می‌کند جزای احسان، جز احسان نیست:

هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ (الرحمن، ۶۰) آری مگر جزای احسان جز احسان می‌تواند باشد؟

طبق این آیه، خدا احسان بندگان را بدون تلافی و جبران نمی‌گذارد و با احسانی نظیر آن و یا بیشتر و برتر جزا می‌دهد

وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ حِين تَنَزَّلُ بِهِمُ النَّقْمُ وَتَنَزَّلُ عَنْهُمْ النَّعْمُ فَرَعَوْا إِلَىٰ رَبِّهِمْ بِصَدَقٍ مِّنْ نِّيَاتِهِمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَأَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ (شریف الرضی، ۲۵۷) و اگر مردم

هنگامی که سختی‌ها به ایشان رو آورد و نعمت‌ها از آن‌ها زایل گردد، با نیت‌های راست و دل‌های شیفته به پروردگارشان پناه ببرند، آنچه ازدست‌رفته به آن‌ها بازمی‌گرداند و هر فسادى را برای ایشان اصلاح می‌فرماید.

اما وقوع عذاب و جاری شدن نعمت در میان قومی که فساد و گناه در میان آن‌ها شایع شده باشد، قطعی و واجب نیست. به همین دلیل سیاق آیه در جانب عذاب با سیاق آن در جانب نعمت متفاوت بیان شده است:

لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَالٍ؛ (رعد، ۱۱) برای انسان مأمورانی است که از جلو رو و از پشت سرش، او را از فرمان خدا حفاظت می‌کنند و خدا نعمتی را که نزد گروهی هست تغییر ندهد تا آنچه را که ایشان در ضمیرشان هست تغییر دهند و چون خدا برای گروهی بدی بخواهد، هیچ نمی‌تواند جلو آن را بگیرد و برای ایشان غیر از خدا اداره‌کننده‌ای نیست.

اگر می‌خواست سیاق را تغییر ندهد باید می‌فرمود: «حتی یغیروا ما بانفسهم فیرید الله بهم من السوء ما لا مرد له؛ تا آنکه مردم رفتار خود را عوض کنند که در این صورت خداوند آن‌گونه بدی را برای ایشان خواسته است که احدی نتواند آن را جلوگیری شود.» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۱، ۳۱۳) همچنین درباره شکر و کفران نیز، سیاق آیه متفاوت بیان شده است. درباره شاکران، وعده زیاد کردن نعمت را به‌طور صریح (آن‌هم با نون تأکید) آورده و فرموده: «لَا زَيْدَنَّكُمْ؛ حتماً شما را رشد می‌دهم و زیاد می‌سازم؛ ولی در تهدید علیه کفران‌کنندگان، به‌صراحت نفرموده که عذابتان می‌کنم، بلکه به‌طور تعریض و اشاره فرموده: «عذاب من سخت است؛ بنابراین، بر فعلیت و حتمیت خطر کفران تصریح نکرده است. اگر خطر کفران نیز مانند نعمت شاکران قطعی بود بایستی می‌فرمود: «لَا عَذْبَنَّكُمْ؛ حتماً شما را عذاب می‌کنم» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۲، ۲۲)؛ درحالی‌که فرمود:

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ؛ (ابراهیم، ۷) و آنگاه که پروردگارتان اعلام کرد که اگر واقعاً سپاسگزاری کنید، [نعمت] شما را افزون خواهم کرد و اگر ناسپاسی نمایید، قطعاً عذاب من سخت خواهد بود.

البته اگر اراده خدا به عذاب و عقاب تعلق گیرد، آمدن عذاب قطعی است و راه گریزی از آن نیست؛ همانند تسلط بخت‌النصر بر بنی اسرائیل که مردان آن‌ها را کشت و

زن‌ها را اسیر کرد و خانه‌هایشان را ویران ساخت و به احدی از آن‌ها رحم نکرد تا انتقام خون حضرت یحیی گرفته شود. (قمی، ۱۳۶۷، ۱، ۸۶)

بنابراین، اراده خدا بر عذاب قوم فاسد، قطعیت ندارد و ممکن است به دلیل رحمت الهی، موانعی از وقوع عذاب جلوگیری کنند. همان‌طور که عذاب امت‌های فاسد، به بعثت پیامبران مشروط شده است، (اسراء، ۱۵) تا آن‌ها را هشدار دهند و به مسیر اصلاح دعوت نمایند. اگر مردم به دعوت آن‌ها لبیک می‌گفتند از عذاب الهی و هلاکت در امان بودند و هنگامی که مخالفت می‌کردند به عذاب خدا گرفتار می‌شدند. برخلاف امت آخرالزمان که با وجود بعثت پیامبر اسلام ﷺ، مهلت داده شدند و به دلیل عصیان از اطاعت خدا هلاک نشدند؛ زیرا خدا پیامبر اکرم ﷺ را به تعریض و کنایه مبعوث کرد، نه تصریح و آشکار و آن حضرت نیز همواره حجت را برای امت خویش، به تعریض و کنایه ارائه می‌کردند، حتی در تعیین وصی بعد از خود نیز با تعریض و کنایه، وصایت امیرمومنان علی را مطرح نمودند. از این جهت است که خدا رسالت پیامبر اکرم ﷺ را رحمت برای همه مردم بیان می‌کند، نه فقط مسلمانان. (طبرسی، ۱۴۰۳، ۱، ۲۵۵)

بنابراین، ملازمه میان عمومیت یافتن گناه در جامعه و گرفتار شدن افراد جامعه به عذاب و مصیبت‌ها ممکن هست؛ ولی قطعی و واجب نیست. مؤید این معنا هم برخی از آیات هستند که صریحاً دلالت می‌کند خدا در بسیاری از تغییرات جوامع، مردم را مورد عفو و غفران خود قرار می‌دهد و آسیب‌های ناشی از آن فساد را پوشانده و ترمیم می‌کند:

وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ؛ (شوری، ۳) و آنچه مصیبت که به شما می‌رسد به خاطر اعمالی است که به دست خود کرده‌اید و خدا از بسیاری از گناهان درمی‌گذرد.

هم‌چنین در جانب انتخاب‌های فردی نیز آنچه از کلام الهی برمی‌آید این است که میان اعمال صالح یک فرد و صلاح اخروی او تلازم قطعی وجود دارد؛ ولی این تلازم نسبت به بهره‌مندی از نعمت‌ها یا ابتلا به عذاب و نعمت‌های دنیایی قطعی و واجب نیست. درنتیجه، تلازم قطعی میان انتخاب‌های اجتماعی حسن و نعمت‌های عمومی آنان است و انحراف و عصیان افراد معدود جامعه، مانع از سعادت آن نخواهد شد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۱، ۳۱۴) مهلت دادن به برخی از اشرار و فاسقان و نیز تأخیر افتادن ثواب برخی از صالحان به آخرت، به دلیل مصالحی است که بندگان بر آن‌ها آگاه نیستند و هیچ تنافی و تضادی با تدبیر و حکمت ندارد؛ زیرا خدا نه ناتوان و عاجز

است و نه ناآگاه و بی خبر و اهل شرارت و بدی هم نیست. همان طور که وقتی طغیان فاسقانی مانند فرعون، بخت نصر و بلییس بالا گرفت و جامعه را در معرض ضرر و فساد قرار داد، در عذاب آن ها تعجیل شده و در همین دنیا به عقاب اعمالشان گرفتار گردیدند. (مفضل بن عمر، بی تا، ۱۷۳)

عدم دلالت بهره‌مندی از دنیا بر خوب بودن انسان

قطعی نبودن تلازم میان ابتلائات تکوینی و افعال اختیاری در جانب انتخاب های فردی و انتخاب های اجتماعی بد، بدین معناست که گناه و عصیان مانع از بهره‌مندی از نعمت ها و امکانات دنیوی نمی شود و ممکن است انسان ها و نیز جوامع غیرتوحیدی به نعمت ها و داشته های مادی و دنیوی دست یابند؛ چراکه همه مردم در برابر اسباب و عوامل بهره‌مندی از زندگی با یکدیگر برابر هستند و در این نسبت، فرقی بین مؤمن و کافر نیست. پس هرکس تلاش خود را با این اسباب و عوامل هماهنگ کند به مطلوب خود می رسد و هرکس این چنین نکند، محروم می شود، چه مؤمن باشد، چه کافر. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۸، ۱۰۰؛

وَلَوْ لَا أَنَّ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُقْفًا مِنْ فِصَّةٍ وَ مَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرًّا عَلَيْهَا يَتَكَوَّنُونَ وَ زُخْرُفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ؛ (زخرف، ۳۳-۳۵) و اگر نه آن بود که [همه] مردم [در انکار خدا] امتی واحد گردند، قطعاً برای خانه های آنان که به [خدای] رحمان کفر می ورزیدند، سقف ها و نردبان هایی از نقره که بر آن ها بالا روند قرار می دادیم و برای خانه هایشان نیز درها و تخت هایی که بر آن ها تکیه زنند و زر و زیورهای [دیگر نیز] و همه این ها جز متاع زندگی دنیا نیست و آخرت پیش پروردگار تو برای پرهیزگاران است.

بنابراین، بهره‌مندی از دنیا و نعمت های مادی دلیل بر خوب بودن انسان ها نیست. همان طور که از مؤمنان، حضرت سلیمان و ذوالقرنین و از کافران نیز نمرد و بخت النصر بر تمام زمین حکومت و پادشاهی داشتند. (ابن بابویه (شیخ صدوق)، بی تا، ۱، ۲۵۵) هم چنین سلامتی و مرگ آسان و راحت نیز نمی تواند دلیل بر خوب بودن باشد؛ زیرا اگر خدا بخواهد انسانی که مستحق عقاب است؛ ولی کارهای نیکی انجام داده را عذاب کند روزی اش را در دنیا توسعه می دهد، یا او را صحت و سلامتی عطا می کند، یا آسودگی خاطر در دنیا به او می دهد تا پاداش کار نیک خود را گرفته باشد و اگر این موارد کافی

نبود، مرگ را بر او آسان می‌سازد. در مقابل نیز، اگر خدا بخواهد که بنده‌ای را گرامی دارد درحالی‌که گناهکار است، بیمارش کند، یا نیازمندش سازد یا به سختی جاننش گیرد تا تلافی آن گناه بشود.

فراجنسیتی بودن تأثیرگذاری افعال اختیاری انسان بر تکوین

یکی دیگر از ویژگی‌های تأثیرگذاری افعال اختیاری انسان بر تکوین، فراجنسیتی بودن آن است. تأثیرات تکوینی افعال اختیاری زنان و مردان یکسان است؛ زیرا این تأثیرات به جنبه انسانی افراد برمی‌گردد و تفاوت در جنسیت، تأثیری در آن ندارد.

از منظر آیات قرآن کریم، ملاک دست‌یابی به کمال و جایگاه شایسته انسانی، انجام عمل صالح است، بدون آن‌که تفاوتی میان زنان و مردان باشد. زن و مرد می‌توانند با بهره‌مندی از تقوا، از جایگاهی برتر و باکرامت‌تر نزد خدا برخوردار شوند. (حجرات، ۱۳) از منظر قرآن، هیچ عملی از هیچ انسانی، تباه و ضایع نخواهد شد و زنان و مردان در این قاعده و سنت الهی، مشترک هستند. (آل عمران، ۱۹۵) زنان و مردان مؤمن با انجام اعمال صالح، اهل بهشت خواهند شد و در این حکم، هیچ ظلم و ستمی به آن‌ها نمی‌شود به‌ویژه از جهت جنسیت. (نساء، ۱۲۴)

بنابراین، افعال اختیاری نیک و بد زنان و مردان بر حوادث و پدیده‌های تکوینی، تأثیرگذار است و تفاوت در جنسیت آن‌ها تفاوتی در این تأثیرگذاری ایجاد نمی‌کند. به همین دلیل، قرآن با عبارت «مَنْ ذَكَرَ أَوْ أُنْثَى» بر این حقیقت تصریح و تأکید می‌کند و اقتضای دست‌یابی به حیات پاک و طیب را برای زنان و مردان به صورت یکسان، صرفاً به ایمان و عمل صالح منوط می‌سازد. (نحل، ۹۷)

تناسب و همانندی میان افعال اختیاری انسان و ابتلائات تکوینی

بر اساس آیات و روایات، ابتلائات تکوینی با افعال اختیاری و انتخاب‌های انسان مناسبت دارد و هر عملی تأثیرات مشخصی و معینی بر جای می‌گذارد. برخی از گناهان هستند که نعمت‌ها را تغییر می‌دهند، برخی از گناهان هستند که زمینه نزول نعمت‌ها را فراهم می‌کنند، برخی از گناهان هستند که امیدها را قطع می‌کنند، برخی از گناهان هستند که دشمنی‌ها را غلبه می‌دهند، برخی از گناهان هستند که دعاها را برمی‌گرداند، برخی از گناهان هستند که باعث نزول بلا و مصیبت می‌شوند، برخی از گناهان هستند که خشک‌سالی به وجود می‌آورند، برخی از گناهان هستند که آبروی انسان را می‌ریزند،

برخی از گناهان هستند که مرگ و نابودی را نزدیک می سازند، برخی از گناهان هستند که احساس ندامت و پشیمانی را به دنبال دارند و برخی از گناهان نیز هستند که پرده عصمت را می برد. (ابن بابویه (شیخ صدوق)، ۱۴۱۳، ۲، ۱۰۲).

تفاوت در ابتلائات ذکر شده به واسطه گناهان، وجود سنجیت و تناسب میان آن ها را ثابت می کند. در جدول زیر به برخی از این مناسبت ها اشاره می شود:

عنوان گناه	عنوان ابتلا
شورش بر امام جامعه و فساد و تکبر در زمین	تغییر و دگرگونی نعمت (امنیت به ناامنی)
قتل انسان بی گناه	احساس پشیمانی و ندامت همیشگی
ظلم و ستم	نزول بلا و مصیبت
شراب خواری	پرده دری و برملا شدن اسرار و عیوب
قطع رحم و ترک احسان و نیکوکاری	کم شدن عمر و مرگ زودرس
ناسپاسی نسبت به پدر و مادر	برگشت دعا و تیره و سیاه بختی
تکبر و فخر فروشی	ذلت و خواری دنیا
امتناع از پرداخت زکات	فراوانی فقر و قطعی باران و پدید آمدن خشک سالی
حکومت جور و قضاوت ناحق	قطع شدن بارش باران
کاهش رعایت مقررات در الزام اهل ذمه به پیمان	غلبه مشرکان بر مسلمانان
زنا و شایع شدن فحشا	کم شدن روزی، وقوع زلزله و پدیدار شدن طاعون و بیماری های بی سابقه
کم فروشی	قحطی و سختی
امید بستن به غیر خدا	واگذار شدن به همان
اصلاح مابین خود و خدا	اصلاح بین ما و مردم
اصلاح امور اخروی	اصلاح امور دنیوی
اصلاح باطن و درون	اصلاح ظاهر

شورش و فساد در زمین، نعمت ها را تغییر داده و دگرگون می کنند و حداقل این است که امنیت را به ناامنی تبدیل می سازد. قاتلِ انسانِ بی گناه به پشیمانی مبتلا می شود و این احساس همیشه با او همراه خواهد بود، همانند قابیل (مأئده، ۳۱) که پس از قتل برادرش، به این حالت گرفتار شد.

تکبر و فخرفروشی (قصص، ۷۹) موجب ذلت و خواری در دنیا می‌شود؛ مانند قارون (قصص، ۷۶) که با همه اموالی که داشت در زمین فرورفت (قصص، ۸۱) و اموال و جایگاهش هیچ نفعی برای او نداشت. ترک زکات باعث فراوانی فقر می‌شود. حکومت جور و قضاوت ناحق موجب قطع باران و ایجاد خشک‌سالی می‌شود. کاهش رعایت مقررات در الزام اهل ذمه نسبت به پیمان، زمینه غلبه مشرکین بر مسلمانان را فراهم می‌سازد. زنا روزی را می‌کاهد و انسان را از لذت‌های جنسی حلال کم‌بهره می‌کند و اگر فاش شود و شیوع پیدا کند موجب وقوع زلزله خواهد شد،

همانندی میان افعال اختیاری انسان و ابتلائات تکوینی نیز در آیات و روایات مورد تأکید قرار گرفته است؛ ازجمله جزا و نتیجه احسان به دیگران، جز احسان نیست (الرحمن، ۶۰) و این‌که اگر مردم خدا را فراموش کنند خدا نیز آنان را فراموش می‌کند (توبه، ۶۷) و آنان را از یاد خودشان می‌برد. (حشر، ۱۹) هر که باطن و درون خود را اصلاح کند خدا ظاهر و آشکار او را به صلاح آورد.

ازاین‌رو حوادث تلخ یا شیرین آینده برای انسان، هم با افعال او و هم با افعال نیاکان او تناسب و همانندی دارد.

این سنت خدا، هم نسبت به کل انسان‌ها و هم نسبت به نسل انسان‌های ظالم می‌تواند زمینه‌ساز لطف و احسان باشد؛ زیرا دیگران با مشاهده مصائب فرزندان انسان‌های ظالم، از ظلم به دیگران و یتیمان خودداری می‌کنند و فرزندان انسان‌های ظالم نیز به خود می‌آیند و برای جبران آثار ظلم نیاکان خود، مسیر صلاح و دوری از معاصی را در پیش گیرند و یا از عوض آن در دنیا و آخرت بهره‌مند و راضی خواهند شد.

عنوان فعل اختیاری	عنوان ابتلاء همانند
فراموش کردن خدا	فراموش کردن خود
احسان به دیگران	احسان دیگران به او
سرزنش مؤمن به گناهانش	ارتکاب همان گناهان و سرزنش خدا
رسوا کردن مؤمنان	رسوا شدن خود
بدرفتاری با یتیم دیگران	بدرفتاری با یتیمی از نسل او
انفاق و گذشت در راه خدا	ده، برابر و ۷۰۰ برابر شدن انفاق کننده

بنابراین، از آیات و روایات، مناسبت و همسانی میان ابتلائات تکوینی و افعال اختیاری انسان، بلکه عینیت میان آن‌ها قابل اثبات است. تعبیر «ما کانوا» در «کَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» ظهور در این دارد که اعمال آدمی به خودی خود، رین (حجاب) قلب است، نه این که سبب رین قلب می‌شود. در نتیجه، اعمال هر انسانی پرتوی از وجود او است و هر قدر اعمال نیک یا بد او گسترش یابد، وجود او در جانب خیر و شر توسعه پیدا می‌کند؛ همان گونه که آیات قرآن، توسعه و زیادی شکرگزاری شاکران را به خود آن‌ها نسبت داده است، نه اموال و نعمت‌هایشان. (ابراهیم، ۷) انسان‌های نیکوکار در پرتو نیکی‌هایشان رشد معنوی پیدا می‌کنند و این افراد همچون بذره‌ای پرمی هستند که به هر طرف ریشه و شاخه می‌گسترانند و همه جا را زیر بال و پر خود می‌گیرد. (بقره، ۲۶۱) به همین دلیل، پاداش اعمال آدمی به خود او نسبت داده می‌شود، نه عمل او. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲، ۳۱۴)

هماهنگی میان ابتلائات تکوینی افعال اختیاری با نظام احسن

نظام تکوین نظام احسن است و هر آنچه در آن خلق و ایجاد می‌شود، در زیباترین شکل ممکن است. حوادث و ابتلائات تکوینی در جانب اعمال و انتخاب‌های احسن، چیزی جز احسن نیست؛ زیرا احسان و نیکی، جز با احسان نمی‌تواند جبران شود. (الرحمن، ۶۰) انتخاب احسن، به افعالی گفته می‌شود که منافع دیگران را بیشتر از منافع فاعل آن تأمین کند. هر چقدر منافع دیگران بیشتر لحاظ شود، حسن و زیبایی آن انتخاب، بیشتر می‌شود. احسن بودن نظام تشویق و تنبیه نیز به این است که منافع حداکثری انسان‌های نیکوکار و بدکار در نظر گرفته شود؛ از این رو، پاداش نیکوکاران ده برابر و جزای بدکاران فقط به اندازه همان بدی است:

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ مِثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلُهَا وَهُمْ لَا يَظْلُمُونَ؛

(انعام، ۱۶۰) هرکس کار نیکی بیاورد، ده برابر آن [پاداش] خواهد داشت و هرکس کار

بدی بیاورد، جز مانند آن جزا نیابد و بر آنان ستم نرود.

ایشان، یکی از مهم‌ترین مصادیق انتخاب احسن است. وقتی انتخاب‌های احسن، بیشترین منافع ممکن را برای دیگران تأمین می‌کند، در مقابل نیز باید بیشترین منافع برای فاعل آن به عنوان پاداش و جزا در نظر گرفته شود. به همین دلیل، پاداش انفاق در راه خدا ده برابر و حتی ۷۰۰ برابر عمل انجام شده معرفی شده (بقره، ۲۶۱) و پاداش شهید، زندگی در نزد خدا مقرر گردیده است (آل عمران، ۱۶۹)؛ زیرا انفاق‌کننده و شهید برای

تأمین منافع دیگران، از منافع وهستی خود گذشتند؛ بنابراین، پاداش آن‌ها باید گذشتی زیباتر و برتر باشد؛ به همین دلیل، حوادث و ابتلائات تکوینی، به زیباترین شکل ممکن محقق شده و بیشترین منافع و مصالح را برای انسان‌ها تأمین می‌کنند:

وَقَالَتْ فَاطِمَةُ مَنْ أَصْعَدَ إِلَيَّ اللَّهَ خَالِصَ عِبَادَتِهِ أَهْبَطَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَهُ أَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ؛ (امام حسن عسکری، ۱۴۰۹، ۳۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ۶۷، ۲۵۰؛ ورام بن أبی فراس، ۱۴۱۰، ۲، ۱۰۸) هر کس خالص‌ترین عبادت را بجای آورد، خدا برترین مصلحت را برای او رقم زده است.

از همین رو، ممکن است از نظر زمانی و مکانی، با زمان و مکان انجام عمل، تفاوت داشته باشد تا در بهترین زمان و مکان، بیشترین منفعت را برای انسان رقم بزند.

نتیجه‌گیری

از منظر آیات و روایات، افعال نیک و بد انسان بر حوادث و پدیده‌های تکوینی تأثیرگذار است. این تأثیرگذاری در جانب انتخاب‌های نیک و صالح اجتماعی و جاری شدن نعمت‌ها در جامعه، قطعی است؛ ولی در جانب افعال اختیاری بد اجتماعی و نقیمت‌ها و نیز آثار تکوینی افعال نیک و بد فردی، قطعی نیست. هم‌چنین این تأثیرات با افعال اختیاری انسان تناسب دارند و به‌صورت هماهنگ با نظام احسن ایجاد می‌شوند تا بیشترین منفعت را برای انسان و مخلوقات، تأمین کنند؛ بنابراین، افعال اختیاری انسان، در قالب سبب و علت اقتضایی و در طول علل مادی، در پدیده‌های طبیعی تغییر ایجاد می‌کنند و زمینه پیدایش پدیده‌های مادی و طبیعی را بر اساس خواست انسان و متناسب با آن فراهم می‌کنند. البته این تأثیرگذاری در جانب انتخاب‌های اجتماعی، اقتضای بیشتری برای تغییر در پدیده‌ها طبیعی دارد تا جایی که اقتضای انتخاب‌های اجتماعی صالح نسبت به نعمت و تغییر شرایط مطلوب، قطعی و همیشگی است.

هر آنچه از خدا به‌سوی انسان‌ها نازل می‌شود خیر است و در جهت مصالح و تعالی انسان و سایر مخلوقات است. خدا به انسان به‌عنوان خلیفه خود در زمین، اجازه داده است تمام مخلوقات را در محدوده قضا و قدر الهی به تسخیر خود درآورد و آن‌ها را در جهت منافع خود به خدمت بگیرد. جایگاه انسان در زمین، این امکان را به او داده است که انتخاب و تلاش‌هایش، اقتضا و ظرفیت تغییر در علل و اسباب طبیعی و مادی را دارا باشد و موجب پیدایش تغییرات متناسب با خواست انسان، در حوادث طبیعی شود. در نتیجه، اگر انسان

تغییر کند و با انتخاب‌های نادرست خود، ظرفیت خیر و رحمت الهی را در خود کاهش دهد و تباہ سازد، استعداد درونی نعمت را از دست می‌دهد و به همین دلیل، کمیت و کیفیت آن نعمت تغییر می‌کند و به همان میزان، به نعمت تبدیل می‌شود.

از منظر آیات و روایات، جامع‌ترین تأثیر فردی اعمال صالح و ایمان، اقتضای دست‌یابی به حیات طیبه است و آلوده شدن به رجس و خبائث، جامع‌ترین تأثیر فردی گناهان است. هم‌چنین، جریان عمومی برکت و رحمت در جامعه به‌عنوان مهم‌ترین تأثیر تکوینی اجتماعی افعال نیک و رسوایی و عذاب عمومی، مهم‌ترین تأثیر تکوینی اجتماعی گناهان ذکر شده است.

تأثیر تغییر درونی انسان‌ها بر تغییر نعمت‌ها، تأثیر گناهان انسان بر ظهور فساد و تباہی در زمین، تأثیر احساس بی‌نیازی انسان از خدا بر طغیان و سرکشی انسان، تأثیر اطاعت و عصیان خدا در پیدایش برکت و لعنت، تأثیر گناهان بر آسیب‌های درونی انسان، محرومیت از رزق‌ها و نعمت‌ها، خشک‌سالی و کمی باران، وقوع پیش‌آمدهای ناگهانی و ظهور و شیوع بیماری‌های جدید ازجمله تأثیرات برشمرده شده برای افعال اختیاری انسان در آیات و روایات هستند.

از آنجایی‌که تمام افعال اختیاری انسان هم جنبه فردی دارد و هم جنبه اجتماعی، افعال نیک و بد او نیز دارای تأثیرات تکوینی فردی و اجتماعی هستند که بر اساس نقش هر یک از آن‌ها در جامعه، سطح تأثیرگذاری نیز متفاوت خواهد بود. تأثیر اجتماعی افعال انسان‌ها تا جایی است که ممکن است نسل‌های بعدی را نیز دچار عذاب و مشکل سازد و زمینه تداوم و یا تکرار عذاب را فراهم آورد. تمایل قلبی نسبت به شیوع فحشا و نیز بی‌تفاوتی نسبت به گناه در جامعه، انسان را به آثار تکوینی آن فحشا و گناه مبتلا می‌سازد. به همین دلیل، از منظر آیات و روایات، اعمال نیک و بد آدمی بر اعمال گذشته و آینده او و دیگران تأثیرگذار است. از تأثیرات تکوینی فردی افعال اختیاری انسان نیز می‌تواند به تأثیرات تکوینی جوانحی؛ مانند آرامش و اطمینان درونی، آسیب‌های درونی و بیماری‌های روح انسان، قساوت قلب، انحراف قلب، زنگار قلب، کور شدن قلب، مُهر شدن قلب و قفل شدن قلب اشاره کرد. طول عمر و مرگ نیز از آثار جسمانی افعال نیک و بد انسان شمرده شده‌اند.

منابع

۱. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ۱۴۰۶. ثواب الأعمال و عقاب الأعمال. قم: دار الشریف الرضی للنشر.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ۱۳۸۵. علل الشرائع. قم: کتاب فروشی داوری.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ۱۴۰۳. معانی الأخبار. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. ۱۴۱۳. من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۵. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی. بی تا. الخصال. مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین. (نشر اثر اصلی ۱۳۶۲ ش)
۶. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی. ۱۴۰۴. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله. قم: جامعه مدرسین.
۷. ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل. ۱۴۰۴. التمهیص. مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام. قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۸. امام جعفر صادق علیه السلام، جعفر بن محمد. ۱۴۰۰. مصباح الشریعة. بیروت: اعلمی.
۹. امام حسن عسکری. ۱۴۰۹. التفسیر المنسوب إلى الإمام الحسن العسکری علیه السلام. مصحح: مدرسه امام مهدی علیه السلام. قم: مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد. ۱۳۷۱. المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامية.
۱۱. بلخی، مقاتل بن سلیمان. ۱۴۲۳. تفسیر مقاتل بن سلیمان. محقق: عبدالله محمود شحاته، محقق. بیروت: دار احیاء التراث.
۱۲. بیضاوی، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸. أنوار التنزیل و أسرار التأویل. محقق: محمد عبدالرحمن المرعشلی. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۳. دیلمی، حسن بن محمد. ۱۴۰۸. أعلام الدین فی صفات المؤمنین. قم: مؤسسة آل البيت علیه السلام.
۱۴. دیلمی، حسن بن محمد. ۱۴۱۲. إرشاد القلوب إلى الصواب. قم: الشریف الرضی.
۱۵. زمخشری، محمود. ۱۴۰۷. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دار الکتب العربی.
۱۶. سراقی، همایون. ۱۳۹۵. نگاهی تطبیقی به جایگاه زن در ادیان. فصلنامه پاسخ، ۱ (۲): ۷۹-۹۴.
۱۷. شبّر، سید عبدالله. ۱۴۱۲. تفسیر القرآن الکریم (شبر). بیروت: دار البلاغة للطباعة والنشر.
۱۸. شریف الرضی، محمد بن حسین. ۱۴۱۴. نهج البلاغة (للصبحی صالح). قم: هجرت.
۱۹. شریف لاهیجی، محمد بن علی. ۱۳۷۳. تفسیر شریف لاهیجی. محقق: میر جلال الدین حسینی ارموی (محدث). تهران: دفتر نشر داد.
۲۰. شیخ طوسی، محمد بن حسن. بی تا. التبیان فی تفسیر القرآن (ج ۱-۱۰). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۱. شیخ مفید، محمد بن محمد. ۱۴۱۳. الإختصاص (ج ۱-۱ جلد). قم: المؤتمر العالمی لالفیة الشیخ المفید.

۲۲. طباطبایی، سید محمد حسین. ۱۴۱۷. المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۱-۲۰ جلد). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۳. طبرسی، احمد بن علی. ۱۴۰۳. الإحتجاج علی أهل اللجاج (ج ۱-۲). مشهد: نشر مرتضی.
۲۴. طبرسی، علی بن حسن. ۱۳۴۴. مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار (ج ۱). نجف: المكتبة الحیدریة.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۷. تفسیر جوامع الجامع. تهران: انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۷. عیاشی، محمد بن مسعود. ۱۳۸۰. تفسیر العیاشی (ج ۱-۲ جلد). تهران: المطبعة العلمية.
۲۸. فعالی، محمد تقی. ۱۳۹۷. مبانی سبک زندگی اسلامی. قم: موسسه فرهنگی هنری دین و معنویت آل یاسین.
۲۹. فیض کاشانی، محمد محسن بن شاه مرتضی (ملا محسن). ۱۴۱۵. تفسیر الصافی. محقق: حسین اعلمی. تهران: انتشارات الصدر.
۳۰. قرائتی، محسن. ۱۳۸۳. تفسیر نور. تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۳۱. قمی، علی بن ابراهیم. ۱۳۶۷. تفسیر قمی. محقق: سید طیب موسوی جزایری. چهارم، قم: دار الكتاب.
۳۲. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا. ۱۳۶۸. تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. محقق: حسین درگاهی. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی.
۳۳. کوفی اهوازی، حسین بن سعید. ۱۴۰۴. المؤمن. قم: مؤسسة الإمام المهدي عليه السلام.
۳۴. کلینی، محمد بن یعقوب. ۱۴۰۷. الکافی (ج ۱-۸). چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۵. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ج ۱-۱۱۱). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۳۶. مجلسی، محمد باقر. ۱۴۰۴. مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ج ۱-۲۶). تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۷. مفضل بن عمر. بی تا. توحید المفضل. قم: داوری.
۳۸. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه. تهران: دار الکتب الإسلامية.
۳۹. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی. ۱۴۱۰. تنبیه الخواطر و نزهة النواظر المعروف بمجموعة ورام (ج ۱-۲). قم: مکتبه فقیه.